


نوع مقاله: پژوهشی

## راهبردهای زاینده‌گی قوای ادراکی با رویکرد مبانی فلسفه صدرایی

سیدمحمدحسین میردامادی / استادیار دانشگاه فرهنگیان پردیس باهنر اصفهان

mh.mirdamad@cfu.ac.ir

 [orcid.org/0000-0002-4497-4769](https://orcid.org/0000-0002-4497-4769)

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

### چکیده

تولید علم متناسب با ارزش‌های اسلامی، در دستیابی به تعالی و تثبیت عزت و استقلال ملی نقش بسزایی دارد. از علل زمینه‌ساز تولید علم، دستیابی به راهبردهای آموزش فعال (در مقابل آموزش منفعل و تقلیدی و حافظه‌محور) است. با تحلیل بحث «ادراک» در فلسفه صدرایی به این نتیجه می‌رسیم که ادراک در این فلسفه دارای دو ساحت روحی- جسمی است و منشأ ادراک نفس مجرد است. آنچه هدف مذکور را در زمینه حکمت اسلامی تأمین می‌کند در این مقاله به «زاینده‌گی قوای ادراکی» نام‌گذاری شده است. این مقاله با تبیین مبانی زاینده‌گی قوای ادراکی و راهبردهای متناظر به این مسئله پرداخته است. روش پژوهش «توصیفی- تحلیلی» و منابع آن اسنادی- کتابخانه‌ای است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش راهبردهای حکمت صدرایی در جهت ادراک زاینده است. توجه به نظام دانایی در رویکرد ملاصدرا، مدیریت نفس و ظرفیت‌های علم قلبی و تقویت و تربیت (طهارت) قوه خیال از مهم‌ترین راهبردهاست. رویکرد مقاله بدیع، کاربردی و قابل توسعه است و در جهت اهداف نظام علمی کشور و هدایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** ادراک، قوای ادراکی، زاینده‌گی ادراک، قوه خیال، تهذیب نفس، صدرالمآلهین.

یکی از عوامل مؤثر بر فرهنگ، نظام آموزشی است. پس از انقلاب اسلامی ایران، بر اساس نظریه و قانون «ولایت فقیه» عمل به راهبردهای کلان امام جامعه اسلامی - در جهت تحول شایسته فرهنگی و آموزشی - اساسی‌ترین تکلیف اعضای جامعه است. در این باره رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقوله آموزش، بر تولید علم تأکید زیادی داشته است (ر.ک. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، فیش‌های تولید علم). همچنین از الگوی صدرایی در بیانات ایشان به شایستگی یاد شده است (ر.ک. همان، فیش‌های ملاحظه‌را).

بر این اساس، رسالت این مقاله گامی - هرچند کوچک - در تحلیل زاینده‌گی قوای ادراکی با رویکرد صدرایی است؛ زیرا از جمله عوامل تأثیرگذار بر تولید علم، این مسئله است. از سوی دیگر تولید علم و توسعه ادراک یا به تعبیر دیگر، زاینده‌گی قوای ادراکی یکی از مؤلفه‌های لازم برای حیات طیبه قرآنی است؛ حیات طیبه‌ای که شایسته است هر مسلمانی در دستیابی به آن از هیچ تلاشی فروگذار نکند.

«پیشرفت» و «حیات طیبه» دو مؤلفه حیاتی هستند که مقام معظم رهبری بر آنها تأکید ویژه‌ای داشته است. توسعه، تعالی و تعمیق ادراک منجر به تولید طرح، علم و در نتیجه پیشرفت (با رویکرد تعالی) می‌شود. با توجه به روند نردبانی تفکر، علم بشر روزبه‌روز در حال زایش و تحول است و این مهم بیانگر اهمیت زاینده‌گی قوای ادراکی در یاری‌رسانی به پیشرفت است.

نظام آموزشی کشور در حال حاضر دارای رویکرد کلی یادگیری‌محور و حافظه‌محوری است، در حالی که لازمه پیشرو بودن، داشتن نظام آموزشی زاینده‌محور است که منجر به تولید نظریه و طرح می‌شود.

برای تغییر رویه نظام آموزشی ابتدا باید متوجه اشکالات آن باشیم. به‌طور کلی ممکن است در مسیر حرکت انسان، اخلال پیش آید؛ اما اتفاقاً همین نامالایمات هستند که موجب می‌شوند انسان پیشرفت کند؛ پیشرفتی که از طریق زاینده‌گی قوای ادراکی و از طریق ذهن خلاق انسان و توانایی حل مسئله برای او اتفاق می‌افتد که راهکارهای خود این حل مسئله نیز روزبه‌روز در حال تکوین و کامل شدن است.

بر اساس تحقیقاتی که در سال ۲۰۱۶ انجام گرفت، میزان توسعه علم در شانزده سال اول قرن بیست‌ویکم با کل قرن بیستم برابری می‌کرد.

هر روز انسان با اطلاعات، چالش‌ها و فناوری‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود. تغییر و تحول دنیای کنونی به قدری عمیق، گسترده و سریع اتفاق می‌افتد که در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی فرد اثر می‌گذارد. این رویداد بی‌پایان باعث می‌گردد تا محیط در حال تغییر که با اجزای پیچیده‌ای نیز همراه است، پاسخ جدید و انعطاف‌پذیری را برای رویارویی طلب کند (مبینی، ۱۳۸۹، ص ۴۹).

بنابراین نوآوری و تولید خصوصیت زمانه ماست و تاریخ بشر در سیر حرکت خود به اینجا رسیده است؛ منتها

خلاقیت و نوآوری به هر قیمتی مطلوب جامعه اسلامی نیست، بلکه باید ضمن توجه به راهکارهای ارائه شده در غرب، این راهکارها را در نظام‌های معرفتی خود هضم و بازسازی کند و با اهداف عالی خود هماهنگ سازد که یکی از رسالت‌های این مقاله نیز در این جهت است.

*آبر/هام منزلو* از رهبران روان‌شناسی انسان‌نگر، هرم سلسله مراتبی از نیازهای انسان ارائه کرد که در رأس آن نیاز به «خودشکوفایی» است. «خودشکوفایی» را می‌توان کمال عالی و کاربرد همه توانایی‌ها و متحقق ساختن تمام خصایص و قابلیت‌های فرد دانست. مهم‌ترین ویژگی افراد خودشکوفای این است که تنها در تلاش برای جبران کمبودها یا کاهش تنش نیستند. کمال مطلوب تجربه‌های تازه و مبارزه‌جویانه و گوناگون است که این امر از طریق زایش قوای فکری که همان نوآوری است، اتفاق می‌افتد. «زاینده‌گی قوای فکری از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است» (موریس، ۲۰۰۶، ص ۲۰۴). خودشکوفایی یا «فلاح» رویکرد مد نظر اسلام نیز هست و باید آن را یکی از اضلاع «حیات طیبه» دانست.

اگر چنین رویکردی در سازمان‌های مربوط نهادینه نشود، نظام علمی کشور که عملاً زیرمجموعه نظام دانش جهانی است در جهت تأمین اهداف فرهنگی و منافع نظام سلطه جهانی حرکت خواهد کرد. همچنین بی‌توجهی به ظرفیت‌های بومی در این زمینه موجب می‌شود نظام دانش در مواردی عملاً در خدمت نظام سلطه و استکبار قرار گیرد و نتواند گامی اساسی و گسترده در جهت تعالی مطلوب تمدن اسلامی پیش ببرد.

بنابراین مسئله محوری مقاله این است که چگونه می‌توان به راهبردهای زاینده‌گی قوای ادراکی بر اساس مبانی حکمت صدرایی رسید؟ هدف این راهبردها نیز رسیدن به هدف تولید علم و پیشگیری از آفت تقلیدگرایی از نظام دانش جهانی است که منافع خاص خود را دنبال می‌کند و چه‌بسا درصدد استخدام نیروهای نخبه فکری در خدمت اهداف منفعت‌طلبانه و استعماری خویش است. مبانی - همراه با ارائه راهبرد - زاینده‌گی قوای ادراکی در رویکرد صدرایی، رویکرد مقاله برای رسیدن به هدف است.

*ملاحی* و دیگران (۱۳۹۴) درباره «ماهیت خلاقیت در دیدگاه اسلامی» به بررسی نظریه‌های مفهومی خلاقیت در غرب و استنباط از ماهیت خلاقیت در منابع اسلامی پرداخته‌اند و الگویی مفهومی از این اصطلاح در منابع اسلامی ارائه داده‌اند. اما رویکرد مقاله حاضر اولاً، اعم از رویکرد قوای فکری مصطلح است؛ ثانیاً، رویکردی ناظر به راهکارهای کلان به شمار می‌آید.

## ۱. ادبیات پژوهشی

### ۱-۱. ادراک

در فلسفه و مباحث معرفت‌شناختی منظور از «ادراک» مطلق آگاهی و شناخت است و در این تحقیق نیز همین معنا مقصود است. این ادراک ممکن است با واسطه و یا بدون واسطه باشد (ر. ک. صدرالمآلهین، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۷۰-۲۸۱).

۱-۲. قوای ادراکی نفس

«قوای ادراکی نفس» همان قوای عقل نظری و عملی است؛ اول قوه علامه که این قوه همان عقل نظری است که ادراکات خاص انسانی و حکمت و علوم معارف با این قوه درک می‌شود و دوم قوه عماله یا همان عقل عملی است که در تعریف حکما، کارهای ویژه انسان (مثل از خودگذشتگی) را انجام می‌دهد و به اعتبار اینکه قبل از عمل ادراک است، به آن «عقل عملی» می‌گویند (ر. ک. همان، ص ۳۴۰-۳۸۸).

۱-۳. زاینده‌گی قوای ادراکی

منظور از «زاینده‌گی قوای ادراکی» در اینجا فرایندی است که منجر به تولید طرح و علم جدید می‌شود. به عبارت دیگر، زاینده‌گی ادراکی فرایندی ادراکی برخاسته از نفس مجرد انسان است که در جهت کشف و تقرب به واقع و به وسیله الگوسازی از آن، منجر به تولید اثری جدید می‌شود. «زاینده‌گی قوای ادراکی» در مقابل «ادراک منفعل» (یادگیری‌محور و مقلدانه) است. هرچند در رویکرد صدرایی فرایند تحصیل علم، صدور و انشای نفس است، اما این نظریه تنها بخشی از هدف را تأمین می‌کند؛ زیرا هدف تولید علم عبور از یادگیری منفعل است. هرچند مطلق یادگیری در رویکرد ملاصدرا حیثیت فعال دارد، اما هدف حیث فعال فراتر از آن است که ذهن را از یادگیری به نوآوری و ایده‌پردازی می‌کشاند. در حقیقت زاینده‌گی قوای ادراکی به ظهور رساندن واقعیتی است که تاکنون مشابه آن به ظهور نرسیده و این آشکارگی واقعیت به اندازه قابلیت نفس است.

۱-۴. راهبرد

منظور از «راهبرد» نیز راهکارهای کلان است که برای جزئی شدن نیاز به رویکردهای میدانی و تجربی دارد.

۲. مبانی و راهبردهای زاینده‌گی قوای ادراکی در رویکرد صدرایی

در رویکرد حکمت صدرایی بر خلاف رویکرد متداول فنون خلاقیت در غرب، رویکرد زاینده‌گی ادراکی، دوساحتی «جسم - روح» است؛ زیرا ملاصدرا در مباحث گوناگون علم‌النفس خود، از جمله *الاسفار الاربعه*، بر تجرد نفس برهان می‌آورد. مبانی ملاصدرا در این رویکرد به مبانی وجودشناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی تقسیم می‌شود.

در متون فلسفه و عرفان اسلامی به صراحت به مبحث «زاینده‌گی قوای ادراکی» پرداخته نشده، اما این بحث با توجه به این متون و مبانی آنها قابل استنباط است. این مقاله مبحث مزبور را با رویکرد حکمت و فلسفه اسلامی پی‌گیری کرده است.

۲-۱. تحلیل زاینده‌گی قوای ادراکی با مبانی وجودشناختی

در حکمت متعالیه صدرایی بر اساس تناظر عوالم وجود (صدرالمتألهین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۴ و ۱۴۵) طبیعت کتاب

تکوینی خداوند است و از جلوه‌های خلاقیت واجب‌الوجود (خداوند) محسوب می‌شود. رابطه انسان و کتاب طبیعت به‌مثابه منشأ زاینده‌گی قوای ادراکی و نیز به‌منزله رابطه‌ای تسخیری میان طبیعت و انسان است. همه اجزای عالم طبیعت طبق یک نظام واحد در جریان است و همه طبق منطق قرآن می‌توانند در تسخیر انسان باشند (طباطبائی، ۱۳۸۲، ج ۱۸، ص ۲۴۸).

همچنین خداوند در آیه ۶۲ سوره هود می‌فرماید: «...هو الذی انشأکم فی الارض و استعمرکم فیها». کلمه «عمرات» به معنای تصرف در زمین به منظور استفاده از فواید آن است (طباطبائی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۶۱). بنابراین طبیعت، هم‌الگوی ایده‌ساز برای زاینده‌گی قوای ادراکی است و هم انسان می‌تواند آن را در جهت منافع خود با قوایش تسخیر کند.

علاوه بر طبیعت که یکی از مظاهر هستی است، اصل وجود هستی نیز دارای تجلی آن به آن است و در صقع وجود خود، زایشگر است. بنابراین چنان‌که قوای ادراکی انسان به شناخت وجود و رابطه وجودی با عالم دست یابد، می‌تواند طبق قانون مسانخت، به زایشگری و توسعه وجودی برسد. وجود امری نامحدود است و انسان تنها کاشف وجود و به ظهور رساننده آن در قالب ماهیات است. هرچند این زاینده‌گی ادراک در قالب ماهیات اتفاق می‌افتد، اما یکی از راه‌های افزایش آن افزایش کشف صحیح است. کشف همان فرایند علم حضوری است که در زایش ادراک می‌تواند نقش بی‌بدیلی داشته باشد و منشأ پیدایش بسیاری از دریافت‌های ثانوی شود.

اصولاً منشأ زاینده‌گی قوای ادراکی از دیدگاه حکمت اسلامی، وجود و تجلی‌های آن است. ادراک گونه‌ای از یافتن است که به واسطه وجود، تحقق می‌یابد. یکی از مراحل یافتن حقیقت، زدودن تاریکی‌ها از قلب است. این تاریکی‌ها با موجودات عالم تکوین پیوند دارند. برای آنکه انسان از حقایق عالی خبر دهد، نخست لازم است نور الهی در قلبش طلوع کند (ر.ک. چیتیک، ۱۹۸۹، فصل ۴ و ۵). این همان مقام قلب است که به آن مقام «ولایت» نیز می‌گویند (صدرالمتألهین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱).

باید توجه داشت که آگاهی با محوریت وجود و قلب، با احساس عاطفی از سر وهم و یا خیال متفاوت است. این آگاهی قلبی، علمی از سر وجدان و یافتن است.

ابزار ادراک وجود «قلب» است و تبدیل آن به صور محسوس به عهده «قوه مخیله و مفکره» است. بر اساس این مبانی، راهبردهای حکمت متعالیه معرفت نفس، تهذیب نفس و تربیت و تقویت قوه خیال - تحت پایش عقل - است که در مباحث آینده به آن می‌پردازیم.

تذکر این نکته لازم است که «تعقل و تفکر» به معنای استفاده از ابزارهای قوه عاقله، از جمله قوه خیال است و از منظر قرآنی علم قلبی نیز نوعی تعقل محسوب می‌شود؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «لهم قلوب لا یفقهون بها» (اعراف: ۱۷۹)؛ آنان قلب‌هایی دارند که با آن تفقه نمی‌کنند. در آیه دیگری می‌فرماید: «أفلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها او أذان یسمعون بها» (حج: ۴۶)؛ آیا در روی زمین سیر نکردند تا دل‌هایشان تعقل کند و گوششان به حقیقت شنوا گردد؟ بنابراین، «تفقه»، «تعقل» و مانند آن دارای ابزارهای گوناگون است.

۱-۲. اهمیت ادراک قلبی در نظام معرفتی صدرا

ملاصدرا مراتب ادراک را بر اساس مراتب حیات شکل می‌دهد؛ زیرا علم و ادراک حقیقتی است که با حقیقت حیات تناظر دارد (ر. ک. ملاصدرا، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۵۶، تعلیقات سبزواری، ش ۴۸۶؛ همو، ۱۳۸۹، ص ۱۳؛ همو، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۲۱). اصولاً بالاترین حیات همان است که انبیا انسان‌ها را به سوی آن می‌خوانند و آن حیات قلب است که بر اساس آیه «یاایها الذین ءامنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (انفال: ۲۴) دعوت به بالاترین مرتبه حیات، یعنی حیات قلبی است.

بر محور قلب و احیای آن سایر قوای انسان نظم می‌پذیرد و فلسفه ملاصدرا عهده‌دار ادراک عقلانی صیوروت انسان به سمت حیات قلب است. بنابراین بالاترین مرتبه ادراک از نظر ملاصدرا ادراک قلبی است که به منزله تولد ثانی برای انسان است و اصولاً لازمه چنین ادراکی تحول و زاینده‌گی است که بر اساس آن هیچ دو روز مؤمن مساوی نخواهد بود (صدرالمآلهین، ۱۳۸۲، ص ۴۲۵ و ۴۲۶).

راه ارتباط با حقایق ماورای مادی قلب است که باید بیدار و احیا شود. رقت قلب بستری برای احیای آن محسوب می‌شود. در قرآن کریم قساوت قلب که در اثر معاصی و غفلت به وجود می‌آید، از موانع ارتباط قلب با مبدأ به شمار می‌آید: «فویل للقایسیه قلوبهم من ذکر الله» (زمر: ۲۲) و «فهی کالحجاره او اشد قسوه» (بقره: ۷۴) از آیاتی هستند که به این مانع اشاره کرده‌اند. معرفت موجد محبت و ایمان و محبت موجد رقت قلب می‌شود که همان پذیرا بودن و استعداد قلب برای اخذ حقایق است. وجدان حقیقت بعد از فهم قلبی آن پیش می‌آید و موجد حال یا کشف قلب می‌شود و قلب را همچون آینه‌ای برای دریافت حقیقت می‌کند (غزالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۳).

برای ایجاد ارتباط قلب با هستی و زاینده‌گی قلب از راه کشف و شهود، چند توصیه شده است:  
 اول. رعایت شریعت با اجتناب از همه محرمات - اعم از گناهان کبیره و صغیره - و ادای همه وظایف و واجبات دینی - اعم از دشوار و آسان؛

دوم. وابستگی نداشتن به دنیا، بجز در حد معیشت متوازن. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: چهار چیز در دنیاست، ولی از دنیا نیست: پاره نانی که با آن سد جوع کنی و جامه‌ای که خود را با آن بپوشانی و خانه‌ای که در آن پناه‌گیری و همسر شایسته‌ای که در کنار او آرام‌گیری (سراج طوسی، بی‌تا، ص ۵۱۶ و ۵۱۷).  
 سوم. گذر از عالم حس و خیال و وهم است.

توضیح آنکه از نظر ملاصدرا بعضی انسان‌ها در درجه محسوسات هستند؛ مانند پروانه که حتی قدرت یادآوری گذشته را ندارد و با وجود تجربه قلبی سوختن از نور شمع، باز هم با عشق نور، خود را می‌سوزاند. بعضی انسان‌ها در درجه مخیلات هستند؛ مانند برخی حیوانات که چنانچه از جایی آزار ببینند به آنجا باز نمی‌گردند. برخی در درجه موهومات هستند؛ مانند اسب که از شیر حذر می‌کند، حتی اگر برای اولین بار آن را ببیند و این درجه حیوان کامل است. اما انسان در مرتبه عالم انسانیت آینده‌نگر است و به جست‌وجوی آخرت می‌پردازد. قوه تعقل در انسان موجب

انس با عالم ملائکه و قوه تخیل (قوه مصور) موجب انس با عالم مثال و تسلط بر عالم ماده می‌شود (صدرالمآلهین، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷-۳۴۱).

### ۳. مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی زاینده‌گی قوای فکری

چون در فلسفه صدرایی منشأ قوای ادراکی نفس مجرد است، مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی ارتباط تنگاتنگی در این زمینه با هم دارند. از این رو این دو را با یک عنوان آوردیم، هرچند سعی می‌کنیم ابتدا مبانی انسان‌شناختی و بعد معرفت‌شناختی را تحلیل کنیم.

همان‌گونه که گفته شد، منشأ زاینده‌گی در ذات وجود است که امری مجرد محسوب می‌شود. مبانی انسانی‌شناختی زاینده‌گی قوای ادراکی نیز تجرد نفس و همچنین اراده و اختیار انسان است. تجرد نفس در مباحث جلد هشتم *الاسفار الاربعه* و دیگر کتب حکمی به اثبات رسیده است. درباره اراده و اختیار نیز ملاحظه در کتب گوناگون سخن به میان آورده است؛ منتها آنچه در اینجا مد نظر است اینکه یکی از راهکارهای انگیزشی به منظور زمینه‌سازی برای اراده انسان برای زاینده‌گی قوای ادراکی‌اش، ایجاد احساس نیاز و دغدغه برای بیشتر فهمیدن و بیشتر دانستن است.

در حقیقت انسان وقتی طالب چیزی می‌شود، می‌تواند آن را به دست آورد؛ لیکن خود خواستن فرع بر احساس نیاز کردن است. انسان وقتی برای به‌کارگیری قوای نوآور احساس نیاز می‌کند که از وضع موجود ناراضی باشد و این ناراضیتی وقتی است که احساس تنش و نیاز داشته باشد. قرآن کریم در آیه ۸۰ سوره انعام می‌فرماید: «و علمناه صنعاً لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم فهل انتم تشکرون». صنعت زره را به این خاطر شما به او آموختیم تا شما را از آسیب و تنش (بأس) حفظ کند. بنابراین شرط اول انگیزش، یافتن احساس نیاز است. در حقیقت آفرینش وقتی صورت می‌گیرد که دغدغه‌ای وجود داشته باشد. یکی از بهترین راهکارهای ایجاد دغدغه در انسان، آگاه کردن او از امکانات و داشته‌های اوست.

مبنای دیگر در بحث زاینده‌گی قوای ادراکی، ظرفیت نفس بر ابداع و خلاقیت است که ناشی از شأن خلیفه‌اللهمی اوست که در آیات قرآن کریم (مانند آیه ۳۰ سوره بقره و آیه ۶۲ سوره نمل) به آن اشاره شده است. انسان چون دارای نیروی عقل و تجرد نفس است و ظرفیت تجلی همه اسماء الهی را دارد (یعنی در مرتبه خاصی از تجرد نیست، بلکه وجودی غیر ایستا دارد) می‌تواند آفریده خلاق خداوند باشد. برای آنکه انسان دارای شخصیت زاینده باشد، باید این شاکله وجودی خود را حفظ، تقویت و تربیت کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قل کل یعمل علی شاکله فربکم اعلم بمن هو اهدی سبیلاً» (اسراء: ۸۴)؛ بگو هر کس برحسب شاکله خود کار می‌کند و خدای شما آگاه‌تر است که چه کسی هدایت‌یافته‌تر است.

اصولاً میان ملکات نفسانی و احوال روح و اعمال رابطه خاصی وجود دارد. بنابراین انسان باید نفس خود را در

جهت ملکه آفرینش‌گری تربیت کند. علاوه بر این، انسان یک شاکله طبیعی دارد و یک شاکله اکتسابی که از تأثیر عوامل خارج از ذاتش به وجود می‌آید (طباطبائی، ۱۳۸۲، ج ۱۳، ص ۲۶۵). ملکه آفرینش‌گری در انسان شاکله طبیعی اوست که با تربیت قوه خیال و تقویت بعد مجرد انسان تقویت می‌شود که درباره آنها مطالب بیشتری خواهیم آورد.

مبنای دیگر، فطرت واحد نفس در عین تعدد قوای اوست (صدرالمتألهین، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۴۰). بر این اساس نفس وقتی به زایش ادراکی می‌پردازد که در عین استفاده از قوا و شئون کثیرش، دارای همت و تمرکز واحد باشد. لزوم توحد نفس (دوری از تشتت) به منظور زمینه‌سازی برای زاینده‌گی ادراکی است. زایش ادراکی با تمرکز و توجه همه نیروهای درونی محقق می‌شود که از آن به «همت» نیز نام برده شده است. همچنین قوه حدس که می‌تواند زمینه‌ساز ابداعات ذهنی باشد، در این باره مؤثر است.

مطابق مطالعات روان‌شناختی، ریشه حدس در نیمه هشیار انسان شکل می‌گیرد و به محدوده هشیار وارد می‌شود (نالچاجیان، ۱۳۸۶، ص ۵۸ و ۱۶۴). نیمه هشیار انسان بخشی است که تنها اطلاعات را دریافت می‌کند و هر داده‌ای را - هر چند انسان بداند که آن داده غلط است - به‌مثابه یک داده درست دریافت می‌کند. تسلیم در برابر حق و رضا به آن و ایمان به حکمت، عدالت خداوند و توکل به او، تأثیر معتنابهی در آرامش انسان دارد و این آرامش می‌تواند زمینه ظهور نیمه هشیار را فراهم کند؛ زیرا خلوت و آرامش درون در بروز نیمه هشیار تأثیر بسزایی دارد (همان).

در بعد ویژه معرفت‌شناختی باید گفت: ادراک شأنی از شئون نفس انسان است و در فلسفه اسلامی به دو نوع ادراک مفهومی (حصولی) و شهودی (حضوری) تقسیم می‌شود. هم ادراک حصولی و هم ادراک حضوری دارای مراتب گوناگونی است و همه ادراکات مفهومی به ادراکات شهودی بازمی‌گردند (طباطبائی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴). علم شهودی علمی است که انسان آن را بدون واسطه درمی‌یابد.

آموزش‌های یادگیری محور درحقیقت بر پایه قوه حافظه صورت می‌گیرد؛ اما آموزش‌های زاینده باید بر اساس تقویت نفس و ذهن در درک عوالم فراطبیعی (از جهت زاینده‌گی طولی) و تقویت بعد خلاقیت نفس - یعنی قوه خیال او - (از جهت زاینده‌گی عرضی) صورت گیرد. از ویژگی‌های مهم وجود ذهنی، جنبه تجردی آن است که منجر به زاینده‌گی و خلق می‌شود. از این نظر باید با تمرین جنبه‌های تجریدی مثل تشبیه، قیاس، امور ریاضی و امور الاهیاتی و نیز تجرید عملی به زاینده‌گی قوای ادراکی در جهت طولی و عرضی یاری رساند.

به‌طور کلی نفس انسان خصیصه صورت‌نگری دارد و رابطه نفس با صور ذهن، رابطه خالق و مخلوق است. ملاصدرا رابطه علم یا شناخت را نوعی ابداع و انشای نفس می‌داند؛ یعنی ذهن انسان خالق و آفریننده است، نه منفعل و پذیرنده. بنابراین هر نوع ادراکی، فعالیت ذهن و نفس محسوب می‌شود. با کثرت علوم حصولی می‌توان فعالیت ذهنی را تقویت نمود و این می‌تواند زمینه‌ساز ملکه تولید علم جدید برای ذهن شود.



از سوی دیگر اگر نفس از مرتبه توجه به عالم طبیعت به مراتب بالاتر برسد دارای ادراکات بیشتر می‌شود و این خود ظرفیت داده‌ای ذهن برای تولید دانش را بالاتر می‌برد. به تعبیر دیگر هرچند در ادراک، فعالیت در همه مراتب ذهن صورت می‌گیرد، اما این حیث فعال مطابق با خارج و مرتبه‌ای از عالم خارج محسوب می‌شود و هرچه تقرب به واقع در مرتبه بالاتری باشد ادراک در مرتبه بالاتری صورت گرفته است، به گونه‌ای که عین‌الیقین و حق‌الیقین مراتب بالاتر ادراک محسوب می‌شوند که مربوط به مرتبه قلب و روح هستند. با توجه به ارزش واقع‌گرایی در مرتبه بالاتر و لزوم زاینده‌گی ارزشمند و هدفمند- و نه مطلق در دید حکمی- زاینده‌گی قوای ادراکی باید به سمت رسیدن به دریافت شهودی و حضوری باشد.

تقویت بعد مجرد انسان موجب زاینده‌گی قوای ادراکی اوست. این مطلب از طریق قاعده فلسفی دیگری از ملاصدرا قابل تبیین است. وی به رغم قبول تعدد قوا بیان می‌کند: «النفس فی وحدتها کل القوی»؛ نفس در عین اینکه واحد است، شامل همه قوا می‌شود؛ یعنی مدرک واقعی همه ادراکات منسوب به قوای انسانی، نفس ناطقه است (صدرالمآلهین، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۴۰). بنابراین، نفس ناطقه با قوای ادراکی و تحریکی خود، دوگانگی نداشته و هر قوه‌ای شأن و مرتبه‌ای از نفس است. نفس در مرتبه محسوسات مدرک محسوسات است و در مرتبه خیال مدرک صور خیالی و در مرتبه عقل مدرک صور عقلی. بنابراین یک ذات، هم عقل است، هم وهم، هم خیال، هم حس و هم محرک (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۳). بنابراین حقیقت قوای ادراکی همان نفس است و زاینده‌گی نفس موجب زاینده‌گی قوای ادراکی است و زاینده‌گی نفس با دو مطلب حاصل می‌شود: یکی ارتباط وجودی که حاصل تجرد نفس و تجلی ذاتی وجود است، و دوم استفاده از قوه خیال که کارکرد ویژه آن زاینده‌گی است.

درحقیقت در ادراک، نفس از مرتبه حس تا مرتبه عقل را می‌پیماید. چون مبدأ تجلی و زاینده‌گی در مرتبه عقل و محل ظهور آن در مرتبه خیال است، همه تلاش‌ها برای زاینده‌گی قوای ادراکی معطوف به دو چیز است: تهذیب نفس به منظور اشرافی از مرتبه عقل، و تقویت و تهذیب قوه خیال به‌طور خاص به منظور زاینده‌گی ادراکات که در مرحله تنزل به عالم صورت‌گیری، با واسطه قوه خیال صورت می‌گیرد.

از نظر ملاصدرا، عوالم وجود بیگانه و جدای از هم نیستند، بلکه عالم مادی ظهوری از عالم فوق و عالم مافوق حقیقت عالم مادون است. رابطه عوالم وجود با هم مانند رابطه نفس و بدن است که ظهور نفس در منشأ طبیعت بدن است. حقیقت عالم طبیعت نیز عالم خیال و حقیقت عالم خیال عالم عقل است. بنابراین آنچه در عالم طبیعت وجود دارد، یا اجسام طبیعی (مانند خاک و درخت) است که حقیقت آنها در عوالم بالاتر است و یا اجسام صناعی (مانند هواپیما و ماشین) که اینها نیز ظهوری از ابداعات عالم خیال انسان‌ها هستند که با الگو گرفتن از طبیعت ترکیب طرح‌ها و افاضه از عالم عقل و با توجه به اراده انسان‌ها و امکانات آنها ساخته شده‌اند. از این نظر نیز یکی از راهبردهای تولید طرح، تقویت قوه خیال انسان است. نوزایی در ادراک موجد نوزایی در صناعات می‌شود و این

نوزایی با همکاری قوای حسی و ارتقای نفس از یکسو و ارتباط و اتحاد با صور خیال منفصل از سوی دیگر امکان‌پذیر است (برقی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶).

به عبارت دیگر، هم جهت مادی خیال در ارتقای نفس به مرتبه خیال مؤثر است و برای آن زمینه‌سازی می‌کند که همان الگو و پیام‌گرفتن از طبیعت است و هم مشاهده صور خیالی در خیال منفصل در خلق صور خیالی تأثیر دارد که این مشاهده با تهذیب نفس صورت می‌پذیرد.

اتصال به عالم خیال مشروط به صحت مزاج، قوت ادراکات خیالی و تزکیه و سیر و سلوک معنوی است (همان، ص ۲۵۰). اما در حقیقت، نفس در مرتبه خیال، صور خیالی را انشا می‌کند. بنابراین قوت نفس و تزکیه و تهذیب آن در کنار صحت جسمانی در صورت خیالی مؤثرند.

همچنین یکی از راهبردهای تقویت زاینده‌گی ادراکی، فعال کردن قوه متصرفه- از ابزارهای قوه خیال- به واسطه فعالیت‌های تشبیهی و تجسیمی است.

یکی دیگر از نکاتی که درباره نفس حایز اهمیت است اینکه نفس انسان ذاتاً خلاق است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۶۵). بنابراین اگر متعلق شناخت نفس باشد، این شناخت شناختی به امر زاینده خواهد بود و مطابق نظریه «اتحاد عالم و معلوم»، خود شناخت نیز شناختی زاینده خواهد شد. بنابراین یکی از راهکارهای زاینده‌گی قوای ادراکی معرفت نفس است.

#### ۳-۱. فرایند معرفت نفس (به‌مقابله راهبردی برای زاینده‌گی قوای ادراکی) در آثار ملاصدرا

ملاصدرا معتقد است: چنانچه جست‌وجوی حقیقت و وجود محور نظام معرفتی باشد، این علم از معرفت نفس آغاز می‌شود که کلید علم‌هاست (صدرالمتألهین، ۱۳۹۰، ص ۸). او بر همین اساس وقتی می‌خواهد سه اصل را که ریشه همه مفاسد است، برشمرد، اولین آنها را جهل به حقیقت نفس خود می‌داند (صدرالمتألهین، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

در باب معرفت نفس نیز این ایمان حقیقی است که انسان را از ظلمت بدن خارج می‌کند و به مقام نور روح می‌رساند: «الله ولی الذین ءامنوا یخرجهم من الظلمات الی النور» (بقره: ۵۷؛ ر.ک. صدرالمتألهین، ۱۳۹۰، ص ۲۴). مؤمن تأثیرگذار از نظر ملاصدرا مؤمنی است که عقل عملی او از عمق جان و قلبش فرمان می‌گیرد (همان، ص ۲۶). در حقیقت فرمانده چنین انسانی علم حضوری و ایمانی اوست.

ادراک زاینده باید ادراکی از سنخ عقل باشد. منشأ شناخت وهمی از نظر ملاصدرا حب دنیا است که ریشه در جهل نسبت به حقیقت خود دارد و هوای نفس نیز در این جهت او را دچار اشتباه می‌سازد که از آن، به «تسویل نفس» یاد می‌شود (همان، ص ۲۸ و ۳۲).

#### ۴. راهبردهای تقویت قوه خیال در حکمت اسلامی

همان‌گونه که گفته شد، قوه خیال با مرکزیت تخیل و تفکر، نقش مهمی در تبدیل تجلیات قلبی به مطالب

محسوس و نیز زاینده‌گی سایر قوای ادراکی دارد. قوه خیال ذاتاً زایشگر و تولیدکننده است و از این رو می‌بینیم همه انسان‌ها- اعم از عارف و عامی و خاص و عام- دائم در حال تولید اندیشه‌های متناسب با شاکله شخصیتی خود و تمرکز قلبی خود هستند. برای بهره‌وری درست از این قوه، باید آن را متوجه نیازهای اصلی نمود و از بازیگری در مواردی که سودی به حال انسان ندارد، منع کرد. به این مهارت پایش و تهذیب قوه خیال که منجر به تقویت آن در جهت مطلوب می‌شود، «تطهیر قوه خیال» می‌گویند.

برای تطهیر قوه خیال نخستین مقدمه عمل به دستورات شریعت، دوری از معاصی و عمل به واجبات دانسته شده است. همچنین طهارت‌های ظاهری مانند وضوی دائمی نیز دارای آثار تکوینی و حفظ حالات روحی دانسته شده است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۳ و ۱۴)

به‌طور کلی طهارت روح و جسم مقدمه‌ای برای شکل گرفتن ملکه تسلیم نفس است. و در حالت ملکه تسلیم آرامشی بر نفس حاکم است که می‌تواند محل تجلی اسماء الهی و از جمله اسم خلاق الهی باشد.

همچنین اهمیت دادن به تحرک و بازی و فعالیت خردسالان و کودکان در آزاد کردن و تنظیم و تعادل قوه خیال بسیار مؤثر است. بنابراین در دوران قبل از دبستان و دبستان کودکان باید فرصت کافی، برنامه‌ریزی شده و آزاد و متناسب با استعدادها و توانمندی‌های کودکان برای فعالیت بدنی و بازی باشد. در این دوران مریبان باید با درایت، استعدادهای و علایق کودکان را کشف و بازی‌های متناسب گروه‌های سنی طراحی کنند.

داشتن الگوی استاد اخلاقی و عالم ربانی در مجموعه‌های آموزشی نیز برای الگوگیری و اثرپذیری قوه خیال بسیار مؤثر است، به گونه‌ای که گاهی تأثیر ناخودآگاه یک عالم با عمل بر شخصیت و سرنوشت متریبان از کتاب‌ها بیشتر است. چنانچه قوه خیال انسان تطهیر شود، می‌تواند مخزن و منبعی برای یافتن همه حقایق باشد. از نظر حکمت اسلامی، همه علوم و حقایق در مراتب بالای عالم وجود دارد و صورت تنزل یافته به صورت علوم اعتباری در رشته‌های گوناگون علوم طبیعی و ریاضی و الهیات و علوم انسانی به وجود می‌آید. بنابراین تطهیر قوه خیال نقش بسیار مؤثری در اخذ حقایق و علوم دارد، به گونه‌ای که قرآن که به معنای مجموعه‌ای از حقایق هستی در قالب مرموز الفاظ است، در ظرف قوه خیال تطهیر شده و به لسان عرفانی «لیله القدر» است، نازل می‌شود (همان، ص ۹۲).

نکته دیگری که در تقویت قوه خیال حایز اهمیت بسیار است، نقش مراقبت در رؤیاست. به همین جهت سبب انسان باید در وقت خوابیدن مراقبت کند. از نظر شریعت خواب باید اول شب باشد و از خواب در بین‌الطوعین و قبل از غروب آفتاب و پرخوابی نهی شده و به سحرخیزی و خواب اندک قبل از ظهر توجه شده است. همچنین قبل از خواب و بعد از آن دارای آدابی است که در کتب حکما مانند کتاب **مفتاح الفلاح** شیخ بهائی آمده است (شیخ بهائی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹).

نکته دیگر این است که قوه خیال مانند آینه‌ای صورتگر است که می‌تواند این آینه مواجه با عقل یا مواجه با وهم باشد. بنابراین باید تلاش کرد قوه خیال تحت حاکمیت و تسخیر عقل واقع شود که برخی مباحث پایش و تهذیب و تطهیر خیال ناظر به این حکمت است.

یکی دیگر از راهبردهای تطهیر قوه خیال، تفکر در نظام هستی است که در آیات قرآن نیز به آن توجه شده است. تفکر در نظام هستی یعنی: تفکر در سنت‌ها و قواعد حاکم بر عالم وجود که موجب ارتباط و معرفت انسان با عالم می‌شود و موجب می‌گردد موجودات عالم اسرار خود را برای انسان بنمایانند؛ زیرا مطابق حدیثی از پیامبر اکرم علیه السلام این‌گونه برداشت می‌شود که همه عالم همیشه در حال گفتن و شنیدن و بینا و شنوا و آگاه است و حشر با آن موجب کشف اسرار آنها می‌شود (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۵، به نقل از: میرداماد) بنابراین تفکر موجب جاری شدن فیض حق و از بهترین راه‌های کشف اسرار عالم محسوب می‌شود.

نکته دیگر که بر آن تاکید می‌شود و موجب بیداری دل و در نتیجه زمینه زاینده ادراکی است، شب‌زنده‌داری است. علامه حسن‌زاده در *الهی‌نامه* می‌نویسد: «الهی، آن که سحر ندارد، از خود خبر ندارد» (همان، ص ۱۵۲). همچنین برای زاینده‌گی قوای ادراکی باید از عادات متعارف بیرون آمد و دوباره متولد شد و اولین نشانه تولد دوباره گریه از خوف و شوق خداوند است. بنابراین گریه و تضرع به درگاه الهی نیز از اسباب بیداری دل و بالتبع زمینه‌ساز زاینده‌گی ادراکی شناخته می‌شود (همان، ص ۱۵۴).

یکی دیگر از دستوره‌های طهارت خیال، «خوش‌بینی و زیبایی» است. خوش‌بینی و زیبایی یکی دستور شریعت است. برای مثال در حدیث آمده است: شخصی به امام علی علیه السلام دشنام داد و حضرت فرمودند: «با علی دیگری بود» و یا امام صادق علیه السلام وقتی از کنار حیوان مرده‌ای می‌گذشتند، به دندان‌های سفید و زیبای آن توجه کردند (همان، ص ۱۶۰).

یکی دیگر از راهکارهای زاینده‌گی ادراکی عدم تقید آن به اکتفا به محدودیت است، بلکه باید آن را به تفکر دائمی و توقف‌ناپذیر عادت داد (همان، ص ۱۶۱). پرهیز از تشمت و پراکنده‌گی و اسباب ایجاد آن نیز برای طهارت خیال مؤثر است، به‌گونه‌ای که باید هم قلب واحد باشد و از شکست در راه نهراسد که یکی از راه‌های رشد نفس همین افتان و خیزان بودن است (همان، ص ۱۶۸ و ۱۶۹). رفت‌وآمد با پاک‌دلان و مکان‌هایی که برای پاکی تأسیس شده (مساجد و اماکن متبرکه) نیز در تطهیر نفس و بالتبع قوه خیال تأثیر دارد.

از دستورالعمل‌های قرآنی برای تطهیر قوه خیال، مداومت بر خواندن آیه «سخره» (اعراف: ۵۴-۵۹) دانسته شده است که باعث توحد و تمرکز قوه خیال می‌شود و از نشانه‌های پراکنده‌گی قوه خیال خواب‌های پراکنده است. این در دستوره‌های شریعت به قدری اهمیت دارد که در برنامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که هر غروب به اصحاب می‌فرمودند: «شب نزدیک است، حواستان را بیشتر جمع کنید.» صبح نیز اصحاب خواب‌های خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش می‌دادند؛ زیرا خواب گزارش چگونگی قوه خیال است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۳).

اصولاً با توجه به اینکه در معارف اسلام حقیقت علم در نفس پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته شده و تمام حقایق قرآن در وجود ایشان تحقق یافته است، قرآن در مرتبه عقل و مرتبه همه قوای ادراکی پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد. از سوی دیگر عالم عقل به‌مثابه شأنی از شئون عقل انسان کامل، پیامبر صلی الله علیه و آله است. بنابراین قرآن در مرتبه عقل پیامبر موجود

است و هرکس به هر نحو با قرآن ارتباط برقرار کند، در حقیقت با مراتب وجودی قرآن در خود پیامبر<sup>ص</sup> مرتبط شده است. پس راه ارتباط با پیامبر<sup>ص</sup> خود قرآن کریم است: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم» (اسراء: ۱۰)؛ این قرآن به آنچه پایدارتر است راه می‌نماید (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۸ و ۲۵۹).

پس یکی از راهکارهای ارتباط با عالم وجود و عالم علم، ارتباط در مراتب مختلف آن (بصری، سمعی و عقلی) با قرآن کریم است و مقدمه این ارتباط طهارت در همه قواست؛ زیرا «لایمسه الا المطهرون» (واقعه: ۷۹)؛ قرآن را جز پاکان مس نمی‌کنند. مس و ارتباط با قرآن در هر مرتبه‌ای طهارت مناسب آن مرتبه است.

##### ۵. نقش پایبندی به دستورات شریعت در زاینده‌گی ادراکی

از منظر حکمت عملی فلسفه صدرایی، باید به دستورات دین به‌مثابه ابزار مهم بیدارسازی استعدادهای انسان برای ادراک بیشتر نگاه کرد. ملاصدر<sup>ر</sup> در باب حکمت عملی، عمل به شریعت را کافی می‌داند (صدرالمآلهین، ۱۴۲۹، ص ۱۰)؛ زیرا به اعتقاد او ظاهر شریعت مسائل حکمت عملی و باطن آن مسائل حکمت نظری است (صدرالمآلهین، ۱۳۸۲، ص ۳۷۵ و ۳۷۶). او در کتاب *کسر اصنام الجاهلیه* و نیز *مبدأ و معاد* به بیان حکمت‌هایی از دستوره‌های شریعت پرداخته است (ر.ک. صدرالمآلهین، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۸۳۴ و ۸۳۵؛ همو، ۱۳۸۱، ص ۶۳۰ و ۶۳۶-۶۳۷).

*ابن عربی* نیز در مجلداتی از *الفوتوح المکیه* به بیان اسرار شریعت پرداخته و نماز را عاملی برای بیدارسازی خیال خلاق انسان برشمرده است. او استجاب دعا را مرتبه‌ای از تحقق بخشیدن به وجود ذهنی انسان و تأثیر آفرینشگری روح و ذهن در عالم خارج با یاری دستورالعمل‌های شریعت و به اذن و اراده و مشیت خداوند می‌داند. برای دریافت حقایق از عالم وجود، قلب باید همه نیروهای خود را متمرکز کند، که به آن «همت» می‌گویند. «همت» یعنی: تمرکز همه قوای قلب در مبدأ آفرینش که منطبق با حالت فناست (کرین، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶).

خداوند چیزی را که از قبل در عالم غیب موجود است، در عالم محسوس عیان می‌کند و این معلول را از طریق او خلق می‌کند (همان، ص ۳۳۷). از این رو قلب انسان با معرفت، همان چشمی است که حق خود را از طریق آن می‌بیند و در این صورت فیوضات حق بر قلب جاری می‌شود (همان، ص ۳۳۷).

حقیقت زاینده‌گی تجلی حق در قوای ادراکی و نوعی جمع وحدت و کثرت است؛ زیرا این زایش جدید با نظر به منشأ آن، همان است؛ ولی به لحاظ وجود خاصی که در ظرف ادراک ایجاد شده، همان نیست. نظر به اینکه منشأ زایش و فیض حق تعالی است، شرط اصلی زاینده‌گی «دنبال امر رب بودن»، تشخیص آن و عمل به آن است (همان، ص ۳۵۰).

وقتی با همت قلب و وساطت قوه خیال، عالم واسطه را درک کنیم و با ارتقای راه‌های حس به مرتبه بالاتر، حجاب ظاهر آنها را به حقیقت آنها بازگردانیم، اشیا و موجودات وظیفه تجلی‌گون خود را انجام می‌دهند (همان، ص ۳۵۱). بنابراین راه تجلی قوای ادراکی بازگشت قوای ادراکی به حقیقت آنها با همت قلب و به واسطه قوه خیال

است؛ اینکه بدانیم هر شنیدنی و دیدنی یا هر سمع و بصری ریشه در سمیع بودن و بصیرت خداوند دارد و اگر این حقیقت را درک نمی‌کنیم چنان باشیم که گویا اوست که سمیع است و بصیر است.

تجلی الهی در قالب صور محسوس، صور متخیل یا عالم مثال رخ می‌دهد و عالم خیال مرتب در حال تجدید خلقت است. کاری که باید صورت گیرد توجه خیال به عالم غیب و پایش و تربیت آن با استمداد از شریعت است (ر. ک. همان، ص ۳۵۳، ص ۳۵۷). کامل‌ترین نمونه علم قلب، نماز به‌مثابه نماز تجلی‌گون، یعنی نماز خلاق است (همان، ص ۳۵۹).

«ادراک» به معنای ظهور وجود پنهان است. بنابراین «زاینده‌گی ادراک» یعنی: زاینده‌گی ظهور، و باید دریابیم چه باید بکنیم که وجود پنهان بیشتر به منصف ظهور برسد؛ البته از نظر وجودی، آشکار مرتبه‌ای از پنهان و ظاهر مرتبه‌ای از باطن است، اما برای نزول وجود از مرتبه بالا به مرتبه پایین باید قوه خیال تطهیر شود.

گفته شد که نماز عامل خلق شهود است و همزمان ذکر خدا و ذکر انسان محسوب می‌شود (همان، ص ۳۶۵). واقعیت گفت‌وگو و مناجات- که امری دوطرفه است- مستلزم آن است که ذکر هم از ناحیه پروردگار وجود داشته باشد که در پاسخ آن ذکر، بنده در محضر خداوند قرار می‌گیرد. آیه «فأذکرونی اذکرکم» (بقره: ۱۵۲) به همین معناست (همان، ص ۳۶۵). حاصل این یاد دوطرفه شاهد و مشهود شدن و تجلی است که در قوای ادراکی انسان جاری می‌شود. بنابراین خیال خلاق از طریق همت، یعنی تمرکز همه نیروهای قلب در خدمت نماز خلاق قرار دارد (همان، ص ۳۷۸).

### نتیجه‌گیری

این مقاله در جهت اهداف کلان کشور (تولید علم و استفاده از ظرفیت‌های بومی) به راهبردهای زاینده‌گی قوای ادراکی با تأکید بر فلسفه صدرایی پرداخت. برای تحقق اجرایی این راهبردها در شکل سازمانی، گام دیگری لازم است تا آنها را در فضای آموزشی کشور به صورت مواد جزئی‌تر، نهادینه و اجرایی کند و این مهم مشروط به عزم و باور و عبور از رخوت و شکستن عهد عادت است.

مهم‌ترین دستاوردهای این مقاله عبارت است از:

۱. زاینده‌گی قوای ادراکی در رویکرد حکمت صدرایی، با محوریت بعد مجرد انسانی شکل می‌گیرد.
۲. از مهم‌ترین راهبردهای زاینده‌گی قوای ادراکی تقویت بعد مجرد نفس است. روش اجرایی این راهبرد مدیریت نفس است که در حکمت اسلامی به «تهذیب نفس» نامبردار است. «تقوا» مدار تهذیب نفس است که باید در زمینه‌های گوناگون، الگوهای عملی آن استنباط و آموزش داده شود و از محور موعظه و سفارش به محور فرهنگ‌سازی تبدیل گردد.
۳. از پیامدهای مهم تهذیب نفس، وارستگی روح از عالم طبیعت است. این آزادی و وارستگی نقش مهمی در زاینده‌گی ادراکی دارد. در رویکرد مادی‌گرا، زمینه خلاقیت را عدم محدودیت و به تعبیری آزادی بیرونی دانسته‌اند.

این هرچند صحیح است، اما در رویکرد حکمت اسلامی، عدم محدودیت از منظر عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تری لحاظ شده و به آزادی معنوی توجه شده است.

۴. اهتمام به ظرفیت‌های ادراکی نفس که از آن غفلت شده، در این باب بسیار راهگشاست. «علم قلبی» یکی از این ظرفیت‌هاست که اصولاً ملاحظراً نظام دانش خود را بر اساس آن سامان می‌دهد؛ نظام دانشی که حتی در نهادهای آموزشی دینی در حاشیه قرار داشته است.

۵. راهبرد دیگر ملاحظراً برای نیل به زاینده‌گی ادراکی، معرفت نفس است که کلید ادراک‌ها محسوب می‌شود و در رأس نظام دانش در رویکرد صدرایی قرار دارد. معرفت نفس علمی حضوری است و با ایمان فزاینده و رو به گسترش به مبدأ وجود، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.

۶. تقویت قوه خیال (مشروط به آنکه مسخر عقل باشد) با تمرین‌های راهبردی و آموزش‌های مربوط به آن در این زمینه مؤثر است.

۷. اصل مهم دیگر برای تحقق هدف فوق، تربیت قوه خیال است که از آن به «طهارت قوه خیال» نیز یاد می‌شود و درحقیقت راهبردهای تسخیر قوه خیال به وسیله عقل هدایتگر است.

۸. حکمت صدرایی در اوج مسیر خود به قرآن حکیم می‌رسد و دستورات شریعت را همان حکمت عملی خود می‌داند. در این زمینه همه احکام شریعت برای رسیدن به تجلی اسماء الهی در انسان با محوریت تهذیب نفس و تطهیر قوای انسانی است. به‌طور خاص، عمود این خیمه مبارک معراج مؤمن، یعنی «نماز» است. این امر به قدری مهم و محوری است که هائری کرین به تبع ابن عربی، نماز را راه وصول به خلاقیت روحی دانسته است. بنابراین جامعه انسانی که دل در گرو ایمان دارد، باید به شریعت با رویکرد حکمت و راهبرد زندگی سعادت‌مندان بنگرد که همان حیات طیبه قرآنی است و نقشه راه جامعه انسان‌های در مسیر هدایت است.

۹. زندگی بر اساس حکمت، خود دربر دارنده دیگر مؤلفه‌های زندگی مطلوب (مانند تحقق عدالت و رشد عقلانیت) است که فطرت الهی انسان‌ها را مجذوب خود کرده و انگیزه را - که شرط اول حرکت و پایداری در هر کاری و از جمله مسئله این مقاله- است، تقویت و تبدیل به عزم (اراده بسیار قوی و جدی و رخوت‌ناپذیر) می‌کند. برای تقویت انگیزه، مطالعه جایگاه و تاریخ مسئله پژوهش و دانستن اهمیت، ضرورت، فواید و کاربردهای آن نیز مؤثر است. همچنین با نظر به فطرت خلاق انسان، تهذیب نفس راهی برای تقویت این بعد فطری و انگیزه بیشتر برای آن محسوب می‌شود.

۱۰. زاینده‌گی قوای ادراکی در رویکرد حکمت اسلامی در صورتی محقق می‌شود که انسان در بستر الهی واقع شود و به دنبال «امر رب» باشد و چنین بستری باید در همه شئون زندگی (مانند سیاست، اقتصاد و دانش) جاری شود تا سریع‌تر و با وسعت بیشتر به نتیجه مطلوب برسد.

۱۱. بنابر فرایند ادراک از نظر ملاحظراً که فرایندی صدور و انشای نفس است، و با توجه به اصل «سنخیت علت و معلول»، خود کثرت ادراک می‌تواند زمینه‌ساز ادراکات جدید شود. بنابراین کثرت ادراک حصولی و یا

حضوری از عوامل زاینده‌گی‌های ادراکی بیشتر است. در این زمینه مطالعه فرایند نظریه‌پردازی‌ها و ابتکارات در طول تاریخ نیز مؤثر است.

۱۲. زاینده‌گی قوای ادراکی در قاعده کلی تعامل کثرت و وحدت (وحدت در عین کثرت) اتفاق می‌افتد؛ بدین معنا که در عین توجه به مبدأ واحد وجود و همت نفس بر تمرکز قوا، به مراتب وجود و مراتب قوا نیز توجه می‌شود و هیچ‌یک موجب غفلت از دیگری نمی‌شود. در این حالت پدیده تجلی ادراکی رخ می‌دهد و یا به عبارت عرفانی، نفس به قدر قابلیت خود، آئینه وجود حق می‌شود و به عبارت صدرایی، وجود تعینات ماهوی پیدا می‌کند.

۱۳. زاینده‌گی قوای ادراکی در رویکرد صدرایی، به‌طور مطلق مطلوب نیست، بلکه هدف متوسط است. این زاینده‌گی باید در جهت ارزش‌های الهی و انسانی به کار گرفته شود. در حقیقت این ظرفیت انسانی در نظام کلی تشریح الهی تعریف می‌شود. چنین زاینده‌گی ادراکی است که منجر به تولیدی می‌شود که به انسان و زندگی او معنا می‌دهد.



## منابع

- برقی، زهره، ۱۳۸۹، *خیال از نظر ابن سینا و صدرالمتألهین*، قم، بوستان کتاب.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مذله‌العالی) <https://farsi.khamenei.ir>
- جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، *عین نفاخ*، قم، اسراء.
- چیتیک، ویلیام، ۱۹۸۹، *معرفت‌شناسی و هرمنوتیک از منظری عرفانی*، ترجمه پیروز فتورچی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسن‌زاده‌آملی، حسن، ۱۳۸۱، *شرح مراتب طهارت از رساله وحدت از دیدگاه عارف و حکیم*، شارح داوود صمدی‌آملی، قم، آل علی علیه‌السلام.
- سراج طوسی، ابونصر، بی‌تا، *المعجم*، تحقیق عبدالحکیم محمود، بی‌جا، بی‌نا.
- شیخ بهایی، محمد، ۱۳۸۸، *مفتاح الفلاح*، قم، جلوه کمال.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۲، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱، *نهایة الحکمه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- غزالی، محمد، بی‌تا، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دار الکتاب العربی.
- کربن، هانری، ۱۳۸۴، *تخیل خلاق در عرفان ابن عربی*، ترجمه انشاءالله همتی، تهران، جامی.
- مبینی، داوود و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر ارتقای خلاقیت مهندسیان با توجه به سنخ شخصیتی آنان» *تازه‌های روانشناسی صنعتی / سازمانی*، ش ۱، ص ۵۶-۴۹.
- مداحی، جواد و همکاران، ۱۳۹۴، «ماهیت خلاقیت در دیدگاه اسلامی» *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۱۴، ص ۵-۳۸.
- صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، *المبدأ و المعاد فی الحکمة المتعالیة*، تحقیق محمد ذبیحی و جعفر شانظری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱، *کسر اصنام الجاهلیه*، تحقیق محسن جهانگیری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، تحقیق سیدمصطفی محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، تحقیق غلامرضا اعوانی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، تعلیقات سبزواری، تحقیق علی‌اکبر رشاد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *مفاتیح الغیب*، تحقیق نحفلی حبیبی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، *تفسیر القرآن الکریم*، تحقیق محسن بیدارفر، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، *اسرار الایات و انوار البینات*، مقدمه سیدمحمد خامنه‌ای، تصحیح محمدعلی جاودان، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، *تفسیر القرآن الکریم*، تحقیق و مقدمه محمدهادی معرفت، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، *رساله سه اصل*، تحقیق سیدحسین نصر، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۹ق، *شرح الهدایة الاتیوبیه*، تحقیق احمدعبدالرحیم السیاح المستشار توفیق علی وهبه، بی‌جا، مکتب الثقافة الدینیة.
- \_\_\_\_\_، ۱۹۸۱، *الاسفار الاربعه فی الحکمة الالهیه*، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی.
- نالچاجیان، آلبرت، ۱۳۸۶، *اشراق و شهود در فرایند خلاقیت علمی*، ترجمه نیکد میرزا یانس، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
- Morris, T, 2006, *Social Work Research Methods: Four Alternative Paradigms*. Thousand Oaks, CA, Sage.